165 ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

167 ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

169 ◇◇◇

است که زبانش به هجوهای نیشدار و فضاحت بار آلوده بوده است تا آن‌جا که شاعران هم عهدش از تاخت و تاز شمشیر هجوش در امان نبوده‌اند. دکتر ذبیح الله صفا درباره‌اش چنین نوشته است: «از تاب شمشیر مهاجات او اکثر شعرای عراق و غیره بر خود می‌لرزیده‌اند و به قول خود شاعر: چون کردارش، پسند صاحب ایران- شاه عبّاس- نبوده است، آخر الامر به دست او از این کار توبه می‌کند.» (صفا، 1365، ج5: 629)

رسم هجا چـولازم ماهیـّت مـن است　　چون کهربا که زو نتوان برد جذب کاه
امّـا پـــسند صـاحب ایـران نـمی‌شوم　　تـا بـا من است «این هنر اعتبار کاه»
بار دگر نـه ازلب و بس از صمیم قلب　　تـجدید تـوبه می‌کنم امّا به دست شاه

(همان، 629)

سرآمد شاعرانی که «حرام زادگی و قلّاشی و شوخ چشمی و فساد پیشگی» را از افتخارات خویش شمرده، سوزنی سمرقندی است که بی شرمی و وقاحت را به سر حدّ افراط کشانده است. بدون تردید، وی شاعری است «لاابالی و بی بند و بار و نسبت به آداب و سنن مذهبی بی اعتنا...» (سوزنی سمرقندی، 1348، مقدّمه: 9)

وی خود را در میدان بی‌شرمی و بد اندیشی، بلا رقیب می‌داند و در حرام زادگی و بی حیایی و قلّاشی، بی‌همتا:

من آن کسم که چو بنهم بر اسب شوخی زین　　زدن نـیارد ابـلیس چـنگ در فتـراک
حـــرام زاده ســـر وشـــوخ چـــشم و قلّاشم　　فسـاد پیشه و محراب کوبم و دکّاک
به کـــوی شـوخی و بـی‌شرمی و بد اندیشی　　اگر بدانی، من نیک چستم و چالاک

(همان، 626)

وی، خود را میدان دار لغز گویی و استاد مسلّم هجو سرایی در ادب فارسی معرفی کرده است:

هـجو را مایه ز دشنام دهد مرد حکیم　　تا مخمّر شود از هجو و نخیزد چو خبیر
مثـل نان فـطیر است هجا بی دشنام　　مـرد را درد شـکم خـیزد از نـان فطیر

(همان)

171 ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

173 ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

175 ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

177 ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

179 ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

181 ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇